

خبر کوتاه

داستان ساعات تلخ تنهایی گلر گل گهر

علیرضا حقیقی با هیجکس حرف نمیزد، تک و تنها روی صندلی نشسته بود و سرش داخل گوشی بود. این دقایق بعد از بازی گل گهر و استقلال بود که کاروان سیرجان برای از دست ندادن پرواز خیلی زود خود را به فرودگاه این شهر رسانده و در انتظار سوار شدن به هواپیما بودند. زمانی که بازیکنان و اعضای تیم کوپه کوپه در جاهای مختلف جا گرفته و از شکست خوردن مقابل استقلال حسرت می خوردند.

یک سمت جلال امیدیان، سعید الهویی و ترابپور نشسته بودند و از بدشانسی تیم‌شان می‌گفتند و در سمت دیگر هم بهنام بزرای و یونس شاکری و در یک سمت علیرضا حقیقی که داشت مسوولیت این باخت را روی شانه های خود حمل می کرد. برای یک فوتبالیست شاخص و اسمی، خیرها همیشه خیلی زودتر از آنچه که فکر می کنید می رسد. بنابراین علیرضا حقیقی به محض دسترسی به موبایل از طلعن های بی پایان نویسنده های جوان در شبکه های اجتماعی آگاه شده بود.
این در حالییست که او به اندازه کافی خودش را سرزنش کرده و تلاش زیادی برای جبران نتباهش کرده بود و حتی در لحظات پایانی بازی مقابل استقلال دو بار برای سرزنی خود را به محوطه جریمه حریف رسانده بود اما هرگز سنازنی از بازیکنان کناری روی سر او قرار نگرفت. حقیقی همچنین می توانست سازنده یک گل هم باشد اما دراپ ۶۰ متری او که روی سر منشا شسته بود با ضربه تکمیلی شاکری به اوت رفت. همه این ها برای این بود که او می خواست نقش خود را مقابل آبی‌های میزبان برابر سفیدهای مهپمان کم کند. او در دقایق ابتدایی بازی در یک پاس به عقب و در شرایطی که قصد دربیل مهاجم استقلال را داشت، توپ زیر پایش گیر کرد و در حالی که اعلان مطهری اهنگ دروازه گل گهر را کرده بود توسط او متوقف شد تا داور یک کارت زرد و یک پنالتی نصیب استقلال کند و گل اول به ثبت برسد. او روی گل دوم و ضربه غیرقابل مهار قایدی تقصیر نداشت اما روی شانس گل سوم استقلال، در حالی که وریا با عبور از خط دفاعی گل گهر با او تک به تک شده بود با تکلّی بی مهپاا او را متوقف کرد تا پنالتی دوم برای آبی‌ها شکل بگیرد. اگرچه کاپیتان استقلال این توپ را به اوت زد تا علیرضا حقیقی احسان کند خدا همچنان تیم نگاهی به او دارد.

در نیمه دوم به جز یک بار فرصتی روی دروازه حقیقی نیامد و در عین حال تلاش ۴۵ دقیقه ای بازیکنان برای به پاشنه چرخاندن دروازه حریف به جایی نرسید که نقطه اوچش ضربه ثانیه های پایانی گادوین منشا بود که مظاهری با کف دست آن را به کرنر زد تا گلر استقلال تحسین ها را به سمت خود، متوجه کند در حالیکه که شاید منشا این ضربه را زمینی و به سمت چپ و راست می زد گل تساوی به ثمر می رسد و فشار از روی دوش حقیقی برداشته می شد. با این حال همیشه بین یک مهاجم و دروازه بان، این دروازه بان است که باید بار مسوولیت بیشتری را به دوش بکشد و می شود گفت که اشتباه در آخرین نقطه اطمینان، غیرقابل بخشش تر از فرصت هایی است که روی دروازه حریف از دست می رود. علیرضا حقیقی در ابتدای مسابقه با همان استایل همیشگی و مخصوص خود وارد زمین شد و به سمت دروازه جنوبی خود را گرم می کرد که رشید مظاهری با کمی تأخیر وارد میدان شد و جالب اینکه می خواست برای ورود به چمن گل گهر از پیشکسوت خود در تیم ملی اجازه بگیرد که حساب حقیقی به این سمت میدان نبود. بنابراین مظاهری و عزیزیان به سمت دروازه مقابل رفتند تا گرم کردن را شروع کنند، آن هم در مسابقه ای که قرار بود فقط یکی از این دو قهرمان باشد و تاج محبوبیت را بر سر بگذارد. کاری که رشید مظاهری با دفع ضربه منشا انجام داد و افسوس را بر دل حقیقی گذاشت.

حقیقی در طول پرواز هم اگرچه با یکی از دوستانش دقایقی صحبت می کرد اما در بیشتر اوقات توی خودش بود و یک گییم موبایلی خانگی سازی را انجام می داد و البته به محض اینکه خبردار شد رشید قصد رخصت گرفتن از او را داشته، برای همتایش در تیم استقلال پیامک فرستاد. او که سرزنش ها و نگاه های سنگینی روی خود می دید، در نهایت باید با انگیزه به تمرینات برگردد تا این اشتباه را در دیدار با پرسپولیس جبران کند. مسابقه ای که برای او حتی از جدال با استقلال مهمتر است چرا که باید مقابل تیمی قرار بگیرد که دروازه یانی دیگر را به وی رتجیح داد. این میدان فرصتی برای یادآوری حقایق است که حقیقی برای خود منصور است. دروازه یانی در جام جهانی و تیم های خارجی بازی کرده و بعد از یک نیم فصل درخشان و در حالیکه ممکن بود به پرسپولیس برود، گل گهری شد. او در این فصل در تیم امیر قلعه نویی روزهای خوبی داشته اما این روزها بیشتر درباره دو روز بد او (مقابل استقلال و پیکان) صحبت می کنند. اما بازی با پرسپولیس حکم همان اولین حضورش را دارد که با شیرجه‌ای به سمت توپ شلیک شده از نادی علی دایی، پنالتی این اسطوره گلزنی را در اولین ثانیه حضورش در پیراهن پرسپولیس مهار کرد. حالا اگرچه در نقش یک گلر رقیب و در تیم مقابل.

هیچ تیمی که تیمی به میانگین تصفرمانی نرسیده است

این یک واقعیت است که کیفیت لیگ فوتبال ایران از نظر برنامه ریزی و به ویژه مسائل فنی افت فاحشی نسبت به دوره های پیش تر داشته و برای دیدن بازی های زیبا و تماشاگرای پسند باید چند هفته صبر کرد. کار به جایی رسیده که برای تماشای یک بازی جذاب و تماشاگرای پسند از تیم های بزرگ و پرطرفدار نیز باید چند هفته صبر کرد تا شاید تیم های بزرگ و مدعی قهرمانی پس از مدت ها بتوانند بازی قشنگی را ارائه دهند. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که به جز یکی دو تیم، کمتر تیمی در لیگ باشگاهی فوتبال ملی، تاکنیک های هجومی را برای پیروزی به نمایش می گذارد و تمام تیم ها به ارائه بازی عرضی روی آورده اند و تمام سویی هم مدعی ارائه فوتبال مالکنانه هستند! انگار هر چه توپ در بارز حرکت داده شده و توپ از این سوی میدان به آن سوی میدان رسانده شده و در خط دفاعی و یک سوم میانی زمین خودی پاس های کوتاه و عرضی رد و بدل شود، نشان دهنده فوتبال مالکنانه است. آن هم بدون این که در طول نود دقیقه حتی به اندازه تعداد انگشت های یک دست برای مهاجمان فرصت گل فراهم شود.

نتیجه گل بی این روزها اصل اول فوتبال ماست و تیم های بزرگ هم سعی می کنند با کمترین اختلاف گل به پیروزی برسند. تقریبا هیچ سرمربی برای ارائه فوتبال زیبا ریسک نمی کند. این نگرش مربیان باشگاهی، اثر خود را در جدول رده بندی لیگ بیستم کاملا واضح نشان می دهد. نگاهی به جدول به خوبی نمایان می کند میانگین امتیازی هیچ تیمی حتی به عدد ۲ هم نمی رسد تا به شکل عجیبی از استاندارد امتیازی فوتبال روز دنیا عقب باشیم اما در فوتبال ما گویا همین میانگین پایین امتیازی برای کسب عنوان قهرمانی کافی است.

طبق یک فرمول قدیمی هر تیم برای کسب عنوان قهرمانی باید میانگین ۲ امتیاز در ازای هر بازی کسب کند. میانگین ۲ امتیاز در هر بازی به علاوه ۱ امتیاز اضافی برای بالاترین استاندارد قهرمانی است و ۲ امتیاز در ازای هر بازی منهای یک امتیاز برای پایین ترین حد استاندارد میانگین امتیازی تیم قهرمان. یعنی در یک لیگ ۱۶ تیمی که هر تیم ۲۰ بازی انجام می دهد، ۵۹ امتیاز پایین ترین امتیاز قهرمانی است و ۶۱ امتیاز بالاترین امتیاز... البته در ۱۹ دوره لیگ یک برتر پیش آمده یک تیم با امتیازی کمتر از ۵۹ هم قهرمان شود (نمونه اش سایپای لیگ ششم) ولی تقریبا امتیاز ۶۱ در لیگ ۱۶ تیمی تضمین کننده قهرمانی تیم است.

نگاهی به جدول نشان می دهد هیچ تیمی نتوانسته به بالاترین حد امتیازی استاندارد قهرمانی برسد و تنها استقلال است که با کسب ۱۵ امتیاز از ۸ مسابقه، به فرمول دو امتیاز منهای یک امتیاز رسیده که پایین ترین استاندارد امتیازات لازم برای کسب عنوان قهرمانی محسوب می شود و تضمین کننده قهرمانی نیست. پرسپولیس نیز از ۶ بازی ۱۰ امتیاز اندوخته که نشان می دهد حد امتیازی این تیم از دو امتیاز منهای یک نیز پایین تر است.

آماری که کاملا نشان می دهد هیچ تیمی در حد و اندازه قهرمانی امتیاز کسب نکرده و همه تیم‌ها دچار مشکلات فنی هستند اما هر کارشناسی کوچکترین اشاره ای به مشکلات فنی هر تیمی داشته باشد، مورد شدیدتری همه‌ها از سوی ادمین های مجازی تیم موردنظر قرار خواهد گرفت. چرا که قرار است به جای دیدن مشکلات و ارائه راهکار برای حل این مشکلات فنی، فقط بهانه تراشی شده و دنبال مقصر بیرونی بگردیم. حال باید دید در هفته های آینده تیم های مدعی می توانند امتیازات لازم را کسب کرده و به میانگین لازم برای کسب عنوان قهرمانی برسند یا نه.

معدالات جذاب زمستانی با اسم رمز ترابی و کریمی

مهدی ترابی و علی کریمی دو ستاره ای هستند که هر یک به دلایلی ممکن است به کار خود در لیگ فوتبال ققط ادامه دهند که البته این مسئله برای مهدی ترابی محتمل تر از علی کریمی است.

ترابی که در ابتدای این فصل بعد از مشکل زمانی برای حضور در قطر و تأنید پیشنهاد الدحیل، در نهایت تیم العربی را برای ادامه فوتبالش انتخاب کرد و به این تیم سرخپوش پیوست، از بدو ورود به قطر و قرظینه، با مشکل مصدومیت مواجه بود و همسرتینگ او به طرز عجیبی آزارش داده و تکرار این مسئله باعث شده که رابطه او با باشگاه به عنوان ستاره ای تاثیرگذار و تعیین کننده به هم بخورد.

عیند به حال علی کریمی هم که از زمان حضور در القطر بازی های نسبتا خوبی با این تیم انجام داده، به نظر به دنبال تیمی بزرگتر از زردپوشان قطری برای ادامه بازی است چرا که اهداف مهم تری برای بازی در تیم ملی و حضور در اسکواد ملی برای جام جهانی ۲۰۲۲ را در ذهن دارد و به همین سبب ممکن است دوباره سر از ایران در بیارود و بپزاهن استقلال را برتن کند. البته در مورد علی کریمی شایعات جدی وجود دارد که در الفتحیح خواهد پیوست اما باید منتظر قطعی این شایعه ماند که در این اتفاق رخ دهد و کریمی و الفتحیح در جدیل جرح بخورد، استقلال با باید حداقل به نیم فصل دیگر برای بازگشت وی به اردوی تیمشان صبر کنند. بازیکنی که از دید آن ها، قهرمانی شان در لیگ را قطعی می‌کند.

مهدی ترابی هم که جدایی اش از پرسپولیس، دلایل مختلفی داشت و البته بخشی از مشکلاتش به مدیریت باشگاه نیز بازمی‌گشت، به محض شایعات مبنی بر ترک فوتبال قطر، تماس پرسپولیس با متوجه خود کرده و آن ها مذاکرات اولیه را برای بازگرداندن او آغاز کرده اند. ترابی بازیکنی تعیین کننده در لیگ برتر ایران بود که قهرمانی فصل گذشته، تا حد زیادی به درخشش او و گل ها و پاس گل های تأثیر گذارش، مربوط می‌شد. طبیعتا پرسپولییی‌ها که بشار رسن را از دست داده اند، همه کار می‌کنند تا او را در جمع خود داشته باشند.

البته این دو بازیکن در خصوص بازگشت به ایران کوچکترین اظهارنظری نکرده اند اما به هر صورت برای احتمالات یاد جایی را باز کرده، احتمالاتی مثل این که شما به عنوان یک فوتبالیست ممتاز، لیگ فوتبال قطر چندان به دلتان نشیند و دوست داشته باشید به آغوش هواداران اتان در تیم پرطرفداری که عشقش بوده آید بازگردید.

علی دایی سوختنی نیست



۱۰ اسفند دوباره انتخابات فدراسیون فوتبال برگزار شد، نام علی دایی مطرح و شایعه شده که او قزار است برای انتخابات فدراسیون فوتبال شرکت کند، اما دایی همین روز گذشته و در گفت‌وگویی که با میزبان داشته این موضوع را برای بار چندم رد کرده است. «از طرف بزرگان فوتبال آسیا در خارج از ایران و همچنین بزرگان فوتبال در داخل ایران با من صحبت شد که در انتخابات فدراسیون فوتبال شرکت کنم و برنامه‌های خود را هم به فدراسیون بدهم، اما هرگز حاضر به حضور در چنین انتخاباتی نیستم و به‌هیچ‌عنوان قبول نمی‌کنم در انتخابات شرکت کنم، من به درد ریاست فدراسیون فوتبال نمی‌خورم.»

اتفاقا اگر کسی از بین چهره‌های ورزشی به درد ریاست فدراسیون فوتبال بخورد همین علی دایی است؛ تأثیر پررنگ علی دایی در عرصه بین‌المللی و نفوذش در فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا می‌تواند فدراسیون به قهقرا نزدیک‌شده فوتبال ایران را به یکی از بهترین فدراسیون‌های دنیا تبدیل کند؛ به‌ویژه اینکه علی دایی با روابط اقتصادی مهمی که دارد می‌تواند بحران بی‌پولی را یک بار برای همیشه از سر فدراسیون فوتبال بردارد.
البته علی دایی باهوش‌تر از آن است که اسپر چنین اتفاقی شود؛ او هر آن که اراده کند می‌تواند رئیس فدراسیون فوتبال ایران شود، به شرط آنکه فضا برای رقابت سالم مهیا باشد. دایی به‌خوبی می‌داند جریانِ قوی علیه او در فوتبال کشور به راه افتاده که دستش از رسیدن به صندلی سرمربیگری در تیم‌های مختلف را هم کوتاه کرده است، چه برسد به آنکه بخواهد اجازه فعالیت دایی در سطحی بالاتر را دهد. علی دایی همین چند وقت پیش تأیید کرد که مهدی تاج برای انتخاب او به‌عنوان سرمربی دو بار مذاکره مستقیم داشته، ولی یکباره غیب شده و دیگر سراغش نیامده است. برای پیداکردن علتش نیاز به جست‌وجوی زیادی نیست؛ چراکه بسیاری ماجرای محرومیت علی

هراس به رنگ سرخ

او تا چه زمانی این برنامه فشرده را تاب خواهد آورد. اگر پرسپولیس‌ها یک گزینه جانشین برای حسینی رو می‌کردند و در برخی مسابقات از او سود می‌بردند، هم به جلال فشار کمتری می‌آمد و هم یک یار ذخیره برای روز مبادا در آنتمک باقی می‌ماند. پرسپولیس ۳ روز دیگر با سپاهان بازی دارد و ۱۰ روز دیگر با استقلال؛ درصورتی که این برنامه باعث مصدومیت سنگین جلال شود، چنین خسراتی برای پرسپولیس غیرقابل جبران خواهد بود.

بحران دفاع چپ

اخراج انضباطی و غیرضروری سعید آقایی باعث شد پرسپولیس برای بازی حساس سه‌شنبه برابر سپاهان دفاع چپ در اختیار نداشته باشد. اگرچه کارت بازی محمد انصاری صادر شده، اما طبیعتا بازیکنی که چندین‌ماه از میادین دور بوده، نمی‌تواند به شکل ناگهانی آن هم در چنین مسابقه سنگینی به زمین برگردد. بنابراین یافتن جانشین او کار دشواری خواهد بود. فعلا نزدیک‌ترین گزینه به ذهن، حضور وحید امیری در پست دفاع چپ است، هرچند او هر بار در این منطقه به بازی گرفته شده نمایش‌های ضعیفی داشته است. ضمن اینکه عقب نگه داشتن امیری، بخشی از همین مختصر نیروی تهاجمی پرسپولیس را هم از بین خواهد برد.

بشار بی‌جانشین

از حلال به بعد، پس از هر ناکامی پرسپولیس اسم بشار رسن یکی از پرترکرارترین کلیدواژه‌ها برای سرخپوشان خواهد بود. قبلا هم گفتیم و نوشیم در فوتبال بدون بازبساز ایران، رسن یک مهره بی‌جانشین است، اما به هر حال او یک روز باید می‌رفت و چندین روزی حلال فرارسیده است. در همین دیدار با ذوب‌آهن جای خالی بازیکنی

استقلال فکری و بایرن تراپاتونی



توان غیرقابل‌انکار این تیم در فاز هجومی، بنوعی که با توجه به آمار ثبت‌شده تا قبل از این دیدار آن‌ها توانسته بودند بالاتر از هر تیمی در هر بازی ۵ موقعیت خطرناک ایجاد کنند و بهترین گل زن و پاسور لیگ را هم به خودشان اختصاص دهند.

حلال با صرف مطالب فوق از چندین تیمی با این درجه از آمادگی زمانی که در زمین خودش با دو گل عقب‌افتاده است، چه انتظاری جز این می‌توان داشت که از زمین و هوا برای کسب حداقل امتیاز، تیم رقیبش را تحت‌فشار قرار دهد. بیابیم حملات گل گهر را خصوصاً از دقیقه ۸۰ به بعد مرور کنیم.

در دقایق انتهایی بازی سرمربی باتجربه گل گهر با اضافه کردن علیرضا ابراهیمی مدافع بلندقامت و گلزنش در کنار یونس شاکری و پیمان رنجبری، دو مهاجم کلاسیک که خیلی خوب سر هم می‌زنند و حضور گادوین منشا، محسن کریمی، سعید صادقی و دو مدافع چپ و راست که مشخص است ارسال از جناحین را بلد شده‌اند و خطرناک تر از این دو نفر ارسال‌های طولی بی‌نقص احمد زنده روح،استقلال را بیش از هر بازی در این فصل تحت‌فشار گذاشت، تا جایی که در دقیقه ۹۵ سه مدافع استقلال را هم‌زمان وادار به آن اشتباه محرز می‌کند، ولی حضور یک گلر آماده باهدف این قانون نانوشته را ثابت می‌کند که رسیدن به اهداف مثل قهرمانی میسر نخواهد شد، مگر با داشتن یک دروازه‌بان شش‌دانگی مثل رشید مظاهری. بی‌جهت نبود که او را یکی از بهترین خریدهای استقلال در طی این ده سال اخیر قلمداد می‌کردند.

دایی از فوتبال در ایران را می‌داند. پیش‌تر البته «شرق» در گزارشی تحت عنوان «چرا علی دایی نباید رئیس شود»، به سختی‌های پیش‌روی شهریار فوتبال ایران در این مسیر اشاره کرده است و اصرار برای رئیس‌شدن دایی و انکار از سوی او دیگر مورد چندان پیجیده‌ای نیست.

واقعیت این است که علی دایی این روزها پیشنهادهای خارجی‌اش را سبک‌سنگین می‌کند و به احتمال زیاد اگر با اورتون به توافق برسد، راهی انگلیس می‌شود تا از فضای فوتبال ایران فاصله بگیرد؛ البته دایی نشان داده به‌سختی تصمیم به انحام کارهای متفاوت می‌گیرد و باید پیشنهاد اورتون به او آن‌قدری جذاب و مهیج باشد که دایی را راضب به سفر انگلیس کند. تا آن زمان اما بعید است او خودش را به مهره‌ای سوخته در فوتبال بی‌قاعده ایران تبدیل کند. دایی به‌خوبی می‌داند حتی اگر به‌عنوان رئیس فدراسیون فوتبال ایران هم در این برهه انتخاب شود، باز آن قدر موانع بر سر راهش وجود دارد که ممکن است تصویر چندان درخشانی از او در آینده باقی نگذارد. فارغ از اینکه او اصلا تمایلی به نشستن روی صندلی ریاست فدراسیون فوتبال ندارد، به نظر می‌رسد ریاست این مجموعه برای او کوچک است! دایی یکی از برجسته‌ترین چهره‌های فوتبالی ایران در دنیاست و هنوز هم بسیاری، فوتبال ایران را با نام علی دایی می‌شناسند. رابطه‌اش با فدراسیون کشورهای عربی آن قدر خوب است که اگر بخواهد به‌راحتی می‌تواند برای ریاست کنفدراسیون فوتبال آسیا هم اقدام کند. از طرفی او ارتباط‌هایی بسیار قوی در فیفا دارد که در پست‌های مدیریتی (باز هم اگر بخواهد) این نهاد بین‌المللی می‌تواند به‌راحتی مشغول شود. حالا برای کسی که می‌تواند رئیس AFC شود، آیا صندلی ریاست فدراسیون فوتبال ایران وسوسه‌کننده است؟



که بتواند توپ را نگه دارد و پاس‌های کلیدی ارسال کند، در میانه میدان پرسپولیس حسابی به چشم آمد؛ مخصوصا که احمد نوراللهی هم مدت‌هاست افت کرده و کیفیت سابق را ندارد. پرسش اینجاست که این روند تا کی ادامه خواهد یافت؟

ریسک‌ناپذیری یحیی

نهائیا تم ریسیم به‌مدعلاقه سرمربی پرسپولیس به ریسک کردن. یک سالگی حضور یحیی گل‌محمدی در پرسپولیس نزدیک است، اما او هنوز پدیده‌ای که کشف خودش باشد در این تیم رو نکرده. نه یک دفاع میانی، نه یک مدافع چپ، نه یک هافبک بازبساز و نه یک مهاجم مستعد، سوگوری یابت جدایی بشار و محرومیت عیسی آل کثیر و… برای پرسپولیس امتیاز نمی‌شود. یحیی باید خلافت بیشتری نشان بدهد. پارسال در مسابقات تشریفاتی پایان فصل این فرصت را داشت و از آن سود نبرد. با این حال هنوز هم دیر نشده و او باید به جوانان اعتماد کند.

مهاجم‌ها در انتظار بازی

با یک بازی کمتر که بازتابش را در تمرینات تیم می‌توان به‌وضوح دید. ۵نمایش امیدوارکننده و ارائه یک بازی ترکیبی البته تا قبل از دست دادن پنالتی دوم (دقیقه ۳۰). همان چیزی که بعضا هواداران استقلال حتی فارغ از نتیجه به‌دست‌آمده در طول این ۷ هفته اخیر به‌شدت در انتظار آن بودند. غنخش مهدی مهدی پور به‌عنوان مرکز ثقل تیم در کنار مسعود ریگی که با توجه به این دیدار نشان دادند در صورت بازی بیشتر در کنار هم می‌توانند به یکی از نقاط قوت استقلال در این فصل محسوب شوند.

به‌هرحال آنچه مسلم است و نمی‌توان آن را انکار کرد، اینکه استقلال تا مرز تیم شدن به معنای واقعی هنوز احتیاج به کار بسیار دارد البته با استناد به آخرین گفتگوی محمود فکری در برنامه آنتن می‌توان این نکته را نیز استنباط کرد که استقلال برای رسیدن به شرایط مطلوب هوادارانش و نبل به اهدافی چون قهرمانی در لیگ برتر و حضور مقتدرانه در لیگ قهرمانان آسیا به همان اندازه که احتیاج به تمرین و پیشرفت تاکتیکی و سایر عوامل در حوزه امور فنی دارد، به همان مقدار هم نیازلحاظ وفاقی تیمی و یکپارچگی و اتحاد درونی احتیاج به محیطی دوستانه دارد که نتایجی از قبیل برد مقابل گل گهر می‌تواند در تقویت این امر کاملا مؤثر واقع شود.

فراموش نکنیم یکی از شروط لازم برای رسیدن به موفقیت هر تیمی داشتن نیمکتی دلوایس و درعین‌حال یکدل است. درواقع هیچ توفیقی در سطح ملی و باشگاهی به دست نیامده است مگر اینکه اعضای یک تیم برای همدیگر حاضر به جان‌فشانی باشند و این هنری است که مربیان استقلال می‌توانند با الگوبرداری از نوع رفتار مربیان بزرگ جهان به آن دست یابند که امیدواریم برخورد اخیر با هروهو میلچر در همین راستا صورت گرفته باشد. با تمامی این تفصیلات استقلال این روزها در مجموعه نفت تهرانسر خودش را برای برگزاری دیدار مقابل الومینیم در روز دوشنبه آماده می‌کند با صرف به این مطالب که یک برد در این دیدار می‌تواند این‌ها را به قهرمانی فصل‌نقص بیش‌ازپس نزدیک کند، عنوانی که هرچند افتخاری محسوب دیدار مقابل پرسپولیس.
۱.صدرنشین تیم آماده و صدرنشین وقت لیگ، آن‌هم در خانه خودش از آن دسته از بردهایی است که اعتمادبه‌نفس کل مجموعه تیم را ارتقاء می‌بخشد، امری که استقلال برای بازگشت به دوران اوچش بیش‌ازپیش به آن احتیاج دارد.
۲.درخشش فوق‌العاده رشید مظاهری و تثبیت جایگاهش در این دیدار بازهم در فاصله دو هفته مانده تا مهم‌ترین بازی فصل با همان دیدار مقابل پرسپولیس.
۳.صدرنشینی مجدداً استقلال (بدون در نظر گرفتن دیدارهای عقب‌افتاده پرسپولیس) آن‌هم